

[illegible]

مقطع
حسابی کنونی

استاد مهربان و
ازدواج دانشجویی

در یکی از دانشگاه‌های فنی مهندسی معتبر، استادی به تدریس اختصاص داشت که در تعاملات شخصی و ارتباط با دانشجویان بسیار خوش خلق و

مهربان و در امور درسی و تحصیلی بسیار سختگیر و خشن بود. روزی استاد هنگام تصحیح برگه‌های امتحانی دانشجویان با برگه‌ای مواجه شد که صاحب آن تمام سوال‌های این پاسخ‌گفته باشد که با پشت برگه چنان نوشته بود: «ضمن عرض سلام و خسته نباشید، به استحضار می‌رساند اینجا بنی توانستم خود را برای امتحان حاضر کنم و لذا پاسخ سوال‌های مطرحه را انجام دادم، البته نه پدرم. من بیمارم و در درمان و بیمارستان باشم و نه مادر. همچنین نه تصادفی رده‌ده بوده که نه اتفاق غیرمنتظره دیگری افتاده بود و بلکه دیدش تولد نامزد بود و من برای آن که تولدی به‌یادماندنی برای وی رقم‌زده باشم، دیروز ظهر همراه جمعی از دوستان به رستوران رفتم و بعد از ظهر نیز در جمع خانواده برای وی به‌طور شگفتانه مراسم ترتیب دادم و شب هم برای شام و گردش نخست به رستوران و سپس به آمفاته صالح و سپس به دریند رفتم و جای شما خالی، لبو و باقالی داغ خوریدم و سپس وی را به منزل‌شان رساندم و وقتی برگشتم از نیمه‌شب گذشته بود و حوصله و توان ذهنی درس خواندن را نداشت. البته اگر کارکنان رستوران بخوانند چند بار سعی کردم مطالبی از درس را مطالعه کنم اما روی گردم چه‌ر نامزد که صورتش لبویی شده بود، می‌افزادم خنده‌ام می‌گرفت و نمی‌توانستم روی درس متمرکز شوم. در همین حین از سختگی خوابم برد و صبح نیز به جلسه امتحان آمدم. اینجا را گفتم که بدانید نسبت به درس بی‌تفاوت نیستم و کلاس را هم به تحصیل برایم بسیار دادم اما به دلیل داشته‌ها نتوانستم خود را برای امتحان آماده کنم. حالا اگر به من نمره دادید خوشحال می‌شوم و اگر ندادید ترم دیگر نیز مهمان خودتان خواهم بود.» استاد پس از خواندن این متن نخست به دلیل سختگیری‌اش در درس به دانشجو یادشده صفر داد و سپس برای خلق خوش و نیکویش و صداقت وی به وی ۱۰ داد و سپس همین‌طوری دو نمره هم (رفاق کرد و در نهایت نمره ۱۲ را برای وی منظور نمود. آن دانشجو در استاد را پس از یک و دو سال بعد با نامزدش به ازدواج و فرزندآوری پرداخت و اکنون دو بچه دارد و آن‌ها نیز هر سال در سالروز تولد همسرش، استاد را هم دعوت می‌کند.

روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد القدر، شماره ۱۳۹ ■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

تلفن: ۰۲۱-۲۳۰۴۰۰۰، ۰۲۱-۲۳۰۴۴۳۳ ■ پست الکترونیک: info@jamejamOnline.ir

سازمان توزیع: ۰۲۱-۶۹۳۳۱۱۵ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۱۴۳ ■ امور مشترکین: ۰۲۱-۶۹۳۳۱۱۵ ■ سازمان آگهی ها: ۰۲۱-۴۹۱۵۰۰۰

شماره پیامک: ۳۰۰۱۱۲۴۰ ■ تلفن گویا: ۲۳۰۴۴۴۴

چهارشنبه ۳ آذر ۱۴۰۰ | ۱۸ ربیع الثانی ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۶۸۷ | Wednesday - November 24, 2021

وضعیت آب و هوای امروز
 تهران ۱۶ / ۷ اهواز ۲۶ / ۱۱ اصفهان ۱۷ - ۳ بندرعباس ۳۱ / ۱۸ بیرجند ۱۷ / ۱ تبریز ۲۱ / ۲ رشت ۲۱ / ۱۱ یزد ۲۰ / ۶

حدیث روز:
پیامبر اسلام (ص)
پُر ارج‌ترین مردم کسی است که آنچه را که به او
مربوط نیست، رها کند.

واحه:
پس از هلاک تنم گریه دجله غرق کنند
ز سوز آتش دل دود خیزد از گفتم

اوقات شرعی:

غروب آفتاب: ۱۶/۵۳	اذان ظهر: ۱۱/۵۱
نیمه شب شرعی: ۲۳/۰۷	اذان مغرب: ۱۷/۱۲
طلوع خورشید (فردا): ۶/۵۰	اذان صبح (فردا): ۵/۲۲



گفت‌وگو با فرشته صدرعرفایی
و مصطفی محمودی در سالروز درگذشت کامبوزیا پرتوی

فیلمساز شریف

زندگیان کامبوزیا پرتوی فعالیت سینمایی خود را از دهه ۶۰ شروع کرد.

فردا سالروز درگذشت یکی از حرفه‌ای‌ترین فیلم‌سازان ایرانی است. چهار آذر پارسل بود که خبر رسید کامبوزیا پرتوی بر اثر کرونا درگذشت. این فیلم‌نامه‌نویس کارگردان برای جراحی قلب به بیمارستان رفته بود که به کرونا مبتلا شد و بعد از چند روز فوت کرد. این که می‌گویند ایران یکی از کشورهایی است که هنرمندان زیادی را بر اثر ابتلا به کرونا از دست داده، حرف بی‌ربطی نیست. هنرمندانی که می‌توانستند سال‌های زیادی زندگی‌شان آتش خراب و ماندگاری بسازند که در تاریخ فرهنگ و هنر ایران بماند، آن‌ها که زنده‌یاد پرتوی در چهار دهه فعالیت سینمایی و تلویزیونی‌اش انجام داد و وقتی خبر درگذشتش آن هم به واسطه کرونا منتشر شد همه آنها که با آثار او آشنا بودند فیلم‌هایش را دنبال می‌کردند، گفتند: ای وای! حرف شد. این جمله دوکلمه‌ای (حرف شد) هم از آن جملات همه‌جانیه‌ای است که همه خوبی‌ها، خلاقیت، کاربلدی و اخلاق را از جای می‌دهد. در سالروز درگذشت این فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان سینما و تلویزیون با فرشته صدرعرفایی، همسر او را کامبوزیا پرتوی - که در چند فیلم او از جمله کافه ترانزیت، نه‌للا و فرزندانش بازی کرده- و مصطفی محمودی- منتقد سینما- همه صحبت شد تا درباره نگاه پرتوی به سینما و هنرمان برپایان بگویند.

تاثیرگذار و پیش‌رو



مصطفی محمودی می‌گوید: آقای پرتوی چهار دهه در سینما و تلویزیون به عنوان کارگردان و فیلمنامه‌نویس فعال بود و در هر مقطع و دهه باعث به وجود آوردن نگاهی تازه در دنیای فیلمسازی بود. سال ۶۶ فیلم «ماهی» را ساخت با نگاهی کاملاً انسانی به اتفاقاتی که یک کودک در زندگی با آنها روبه‌رو می‌شود و احساس می‌کند. اواخر دهه ۶۰ فیلم‌هایی مانند گلنار و گربه آوازه‌خوان را ساخت؛ فیلم‌هایی موزیکال که دنیای پرتو برای بچه‌ها داشت. با فیلم بازی بزرگان وارد دنیای نوجوانان شد و درک آنها از دنیای پیرامون و ارتباطات بین آدم‌ها را به نمایش گذاشت. دنیای نوجوانان در فیلم‌های «من ترانه ۱۵ سال دارم» و «دیشب باباتو دیدم آیا» به روز شد و نشان داد دنیای آنها چقدر تغییر کرده و دیگر به دنیای سنتی تعلق ندارند و می‌توانند بسیار مسؤلیت‌پذیر و تاثیرگذار باشند.

این رویکرد آقای پرتوی ثابت در دوره و مقطعی منجمد نشده و با اتفاقات جامعه‌اش جلو آمده و حتی گاهی از آنها نیز جلوتر بوده و پیش‌بینی نیز کرده است. مرحوم پرتوی، کارگردان و نویسنده‌ای بسیار آگاه و هوشمند بود و نبض اتفاقات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را می‌فهمید و می‌دانست کجایا و چه زمانی باید با چه لحن و رویکردی آنها را بازگو کند و تلنگر بزند. آقای پرتوی فیلمساز شریفی بود.

این شرافت و حجب و حیا را در همه آثار او می‌توان دید. در فیلمنامه دیشب باباتو دیدم آیا دقیقاً می‌دانم باید از چه زاویه‌ای به موضوع رابطه پدر نگاه کند و به آن نزدیک شود که نه پرده‌داری کند و نه چیزی را از قلم بیندازد. این را در فیلمنامه من ترانه ۱۵ سال دارم هم می‌توان دید. در فیلم فراری او دانش و احاطه خود را به مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نشان می‌دهد و نوجوانان دو فیلم قبلی را در شرایط جدیدی می‌گذارد که زمانه آنها را شکل داده است. در هر سه فیلم که درباره آنها صحبت شد و همچنین در فیلم‌های کافه ترازینیت و کامیون و دیگر فیلم‌های اجتماعی، آقای پرتوی موضوعات ملتهب را چنان روایت می‌کند که نه تاریخ مصرف‌دار می‌شوند و نه دچار ملال و خط قرمز می‌توان در همه زمان‌ها این فیلم‌ها را دید و از تماشای آنها لذت برد.

خالق شخصیت‌های خودساخته

به فرشته صدرعرفایی می‌گویم زنده‌یاد پرتوی، فعالیت در سینما و تلویزیون را با نویسندگی و کارگردانی آثاری برای کودکان شروع کرد که از میان آنها می‌توان به ماهی، گلنار، گربه آوازه‌خوان و بازی بزرگان اشاره کرد اما بعد تغییر جهت داد و روی موضوعات اجتماعی متمرکز شد و فیلمنامه‌آثاری مانند کافه ترانزیت و فراری را نوشت. می‌پرسم این تغییر جهت به چه دلیل رخ داد؟ می‌گوید: بعد از انقلاب و انقلاب فرهنگی فیلم‌سازی به دلیل محدودیت‌ها و ممیزی‌های فراوانی که وجود داشت به‌خصوص در مورد زنان و نقش آنان، برخی کارگردان‌ها را به سمت تولید آثاری درباره یا برای کودکان سوق داد. این‌گونه فیلمنامه‌ها راحت‌تر مجوز ساخت می‌گرفتند و درجه تهیه فیلم با پشتیبانی بیشتری فراهم می‌شد ولی فارغ از این بحث، آقای پرتوی بسیار علاقه‌مند به کار برای کودکان بود، چون کودکان و دنیایشان را خیلی دوست داشت و می‌گفت، هرقدر خودباوری در کودکان بیشتر شود و آنها توانمندی‌های خود را بیشتر ببینند و باور کنند، دنیای آینده، بهتر خواهد بود. آقای پرتوی بنا به آنچه حس می‌کرد نیاز جامعه برای طرح است، فیلم می‌ساخت و فیلمنامه می‌نوشت. زمانی برای کودکان در دوران جنگ که شادشان کند و امیدوار به توانمندی‌شان در رسیدن به آرزوهایشان. زمانی درباره زنی که می‌خواهد زندگی‌اش را در دست بگیرد و فرزندانش را به سامان برساند «کافه ترانزیت» یا دختری که پیکاره مادر می‌شود و نبردش برای اثبات خود و فرزندش (من ترانه ۱۵ سال دارم) یا زنی ایزدی که از وحشت داعش به دنبال مأمی، آواره شهر و دیاری می‌گردد (کامیون) و مثنای‌های فراوان دیگر....

صدرعرفایی در پاسخ به این سؤال که آیا مرحوم پرتوی در زندگی حرفه‌ای و کاری به آنچه مدنظرش بود و برای آن برنامه‌ریزی کرده بود، رسید؟ می‌گوید: در گفت‌وگویی که از ایشان منتشر شد، گفته بودند کارها و طرح‌های زیادی دارند که امیوادارت نتوانند انجام داده و به سرانجام برسانند ولی متأسفانه از دیدن آثار بعدی ایشان محروم شدیم.



فرشته صدرعرفایی در زمینه: فیلم کافه ترانزیت

تلاشگر

لباس‌هایی که منقرض شدند

قرار بود بروم
برایشان درباره
«روایت» صحبت
کنم؛ این که چطور
چیزهای اطرافتان را
روایت کنید. هر چه
به علی گفتم یک
جواب از استیتیش درآورد و خلاصه نشد
قانعش کنم. گفتم من از فضای تدریس
بدم می‌آید و اصلاً اتقدیری سواد ندارم که
درس بدهم. گفت تدریس نیستی،
شما گفت‌است. گفتم اصلاً از این‌جا بودی،
دانش‌آموز بودم از صندلی معلم نفرت
داشتم و نمی‌خواهم همان حرف‌هایی را که
در دلم به معلم‌ها می‌زدم یکی در دلش به
من بزند. گفت اصلاً قرار نیست روی
صندلی معلم بنشینی، دوره‌می است!
گفتم اصلاً در این شرایط کرونا چو مدرسه
دانش‌آموز بدستای بودن یادم بود خیلی
گفت بچه‌ها می‌آید و منشان رنگین‌تر است
و سالی فلان قدر شهریه می‌دهند که خوب
قانع شدم.

همه چیز از آنجا شروع شد که نشستیم
برای آن بچه‌های مدرسه‌ای به صحبت.
بچه‌های ابتدایی با آن چیزی که من از
دانش‌آموز بدستای بودن یادم بود خیلی
فاصله داشتند. لباس فرم‌شان یک پیراهن
سفید شکل بود با یک شلوار پارچه‌ای
که می‌خورد جنسش مرغوب باشد. از
آن روپوش‌های بلند با جیب‌هایی که به
ته‌شان نمی‌رسیدی خبری نبود. دوست
داشتم بقیه‌شان را بگیرم و بگویم شما
چرا از آن روپوش‌هایی که تا زانو می‌آمد و
بیسکویت در جیب‌هایش خرد می‌شد
و همیشه ته جیبش پر از خرت و پرت و
آت و آشغال بود، نمی‌پوشید؟ اما خوب
رویم نشد.

همان‌طور که هیچ‌وقت روی نیمه شد پدر
و مادری را که با بچه‌شان در خیابان راه
می‌روند، بگیرم و بگویم چرا تن بچه‌تان
پلیور یقه‌اسکی نمی‌کنید که نفسش بند
نیاید؟ مگر خون اینها رنگین‌تر از خون
نسل ماست؟ یا وسط برف زمستان یک
کودک را که وسط خیابان کایش و شلوار
رنگی و زیباتر از یک روپوشیده و برف‌بازی
می‌کنند، بقیه کتم که باید از آن کلاه‌های
نقاب‌داری که تمام سر و صورت را
می‌پوشاند و فقط چشم‌ها معلوم بود، سر
کنی. قشنگ نفست بند نیاید و موقع
برف‌بازی یک گلوله برف برود توی کلاهت
گیر کند. چرا این لباس‌هایی که نسل ما را
خفه کرد دیگر نیست؟ وظیفه‌شان فقط
ساختن سگ‌های منجی ما بود و بعدش دیگر
غیب‌شان زد؟



کیمیایی آلواتان را می سازد

مسعود کیمیایی برای ساخت فیلم جدید خود به نام «آلواتان» به کانادا سفر کرد.

قرار است سعید راد نقش اصلی این فیلم را بازی کند و مرتضی شایسته و محمد مهدی دادگو تهیه کنندگی آلواتان را به عهده دارند. (صفحه ۳)

جیره‌بندی آب تهران ادامه دارد

مهندس بی‌طرف در بازدید از نهمین نمایشگاه کودکان و نوجوانان با موضوع صرفه‌جویی در مصرف آب از افزایش اعتبار شرکت آب‌وفاضلاب استان‌های کشور خبر داد و گفت: امسال حدود ۵۰۰میلیارد ریال برای تعمیر و بازسازی شبکه‌های آب شهرهایی که با بحران کمبود آب مواجه بودند، اختصاص یافت. وی افزود: میزان بارندگی در آبان‌ماه مناسب بوده و امیدواریم با ادامه این روند در آذر و زمستان بحران کم‌آبی برطرف شود اما جیره‌بندی آب در شهر تهران تا پایان آذر ادامه خواهد داشت. (صفحه ۴)

انتقاد هاشمی رفسنجانی از منازعات سیاسی

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: صدمه‌زدن به وحدت ملی، تلاش مردم و فعالیت‌های جاری کشور خیانت است. آیتا... هاشمی رفسنجانی در خطبه‌دوم نماز جمعه تهران با تحلیل شرایط فعلی ایران و منطقه افزود: ما اکنون و بیشتر از گذشته در داخل به وحدت و انسجام و همدلی نیاز داریم. ایران اسلامی در طول سال‌های گذشته در سایه انسجام و حضور مردم در صحنه و فداکاری انواع خطرات را دفع کرد. درگیری‌ها، تنش‌ها و تهاجم به یکدیگر در کشور زیاد شده طوری که انسان فکر می‌کند افراد غیربالغی این کارها را انجام می‌دهند. (صفحه ۲)

تیم ملی فوتبال ایران در اردیبهشت ۱۳۸۸

جام

www.footballiran.ir

مسابقات جام حذفی فوتبال ایران ۱۳۸۸

مسابقات فوتبال ایران ۱۳۸۸

مسابقات فوتبال ایران ۱۳۸۸

مسابقات فوتبال ایران ۱۳۸۸

مسابقات فوتبال ایران ۱۳۸۸

مسابقات فوتبال ایران ۱۳۸۸

در مقابل استادان نگاه در میزگرد تخصصی آسیای جنوبی

«خاک سفید» های تازه

کلان شهرها را تهدید می کنند

به گزارش روابط عمومی سازمان حفاظت محیط زیست، در نشست تخصصی «تهدیدهای ناشی از توسعه کلان شهرها» که در روز شنبه ۱۳۸۸ در محل دبیرخانه سازمان برگزار شد، دکتر علی محمدی، مدیرکل حفاظت محیط زیست، با اشاره به اینکه «کلان شهرها به دلیل تراکم جمعیت و فعالیت های صنعتی و خدماتی، به یکی از منابع اصلی آلودگی هوا و آب و خاک تبدیل شده اند» اظهار داشت: «توسعه کلان شهرها بدون برنامه ریزی مناسب، می تواند به تهدیدهای جدی برای سلامت انسان و محیط زیست منجر شود».

دکتر محمدی افزود: «در سال های اخیر، شاهد افزایش چشمگیری در تراکم جمعیت کلان شهرها بوده ایم. این امر باعث شده است که منابع آلوده در این مناطق به سرعت افزایش یابد و به نوبه خود، به تهدیدی جدی برای سلامت انسان و محیط زیست تبدیل شود».

وی ادامه داد: «برای مقابله با این تهدیدها، نیازمند اتخاذ رویکردهای نوین در برنامه ریزی و مدیریت کلان شهرها هستیم. این رویکردها باید شامل توسعه پایدار، استفاده از منابع تجدیدپذیر، بهبود سیستم های حمل و نقل و مدیریت پسماند باشد».

دکتر محمدی در پایان گفت: «ما باید با همکاری و مشارکت همه ذینفعان، از جمله دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی، اقدامات لازم را برای کاهش تهدیدهای ناشی از توسعه کلان شهرها اتخاذ کنیم».

دکتر علی محمدی، مدیرکل حفاظت محیط زیست

رقابت کششی کبریا

ایران و روسیه

در راد قهرمانی

در ادامه رقابت های کشتی کبریا، تیم ایران با پیروزی در مقابل روسیه، مقام اول را به دست آورد.

در ادامه رقابت های کشتی کبریا، تیم ایران با پیروزی در مقابل روسیه، مقام اول را به دست آورد.

قندوز

در آستانه سقوط

در ادامه رقابت های کشتی کبریا، تیم ایران با پیروزی در مقابل روسیه، مقام اول را به دست آورد.

در ادامه رقابت های کشتی کبریا، تیم ایران با پیروزی در مقابل روسیه، مقام اول را به دست آورد.

گواردیولا در جمع دوپینگی‌ها

۵۳ ساعت برف بارید